

**بررسي مقایسه­ای رابطه­ي راهبرد هاي تنظيم شناختي هيجان سازگار و ناسازگار مادران با و بدون کودکان دارای نشانگان اختلال نافرماني مقابله‌اي (ODD)**

ناهید پارسایی[[1]](#footnote-1)، حمیدرضا آقامحمدیان شعرباف[[2]](#footnote-2)، زهرا طبیبی[[3]](#footnote-3)، مرضیه دین دوست[[4]](#footnote-4)

**مقدمه**

این پژوهش با هدف بررسي رابطه­ي راهبردهاي سازگارانه و ناسازگارانه نظم جویی شناختي هيجان مادران با کودکان مبتلا به نشانگان اختلال نافرماني مقابله­اي و کودکان عادی انجام شد.

**روش شناسی**

پژوهش با توجه به هدف کاربردی و با توجه به عدم دخالت محقق در داده­ها توصیفی، از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماري پژوهش شامل تمامي مادران دارای كودك 5 تا 7 ساله مشغول به تحصیل در مقطع پيش دبستاني (آمادگي) در سال تحصيلي 96- 95 در مناطق 7 گانه آموزش و پرورش شهر مشهد، بوده است. براي دستيابي به نمونه، از روش نمونه گيري خوشه­اي چند مرحله­اي استفاده شده است. پژوهش در پی بررسی این فرضیه ها بود که بین راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان مادران با نشانگان اختلال نافرمانی مقابله ای در کودکان همبستگی معناداری وجود دارد و بین راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان مادران با نشانگان اختلال نافرمانی مقابله ای در کودکان همبستگی معناداری وجود دارد. مادران پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجانگارنفسکی و همکاران(2002) و پرسشنامه علایم مرضی کودکان گادو و اسپیرافکین(1994) را تکمیل کردند. داده­ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شد.

**یافته ها**

نتایج نشان داد که بین راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان مادران و نشانگان اختلال نافرمانی مقابله­ای کودکان، رابطه منفی معنادار وجود دارد . بدین معنی که مادرانی که راهبردهای سازگارانه ای جهت تنظیم شناختی هیجان خود در مقابله با موقعیت های تنش زا استفاده می کنند به احتمال کمتری دارای فرزندی با نشانگان اختلال نافرمانی مقابله ای خواهند بود. همچنین بین راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان مادران و نشانگان اختلال نافرمانی مقابله­ای کودکان، رابطه مثبت معنادار وجود دارد، یعنی مادرانی که راهبردهای ناسازگارانه برای تنظیم شناختی هیجان خود استفاده می کنند به احتمال بیشتری دارای فرزندی با نشانگان اختلال نافرمانی مقابله ای خواهند بود. به این ترتیب هر دو فرضیه پژوهش تایید شد.

**بحث و نتیجه گیری**

با در نظر گرفتن نتایج فوق به نظر می­رسد که آموزش راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان برای بهبود تعامل والد- کودک و کاهش مشکلات رفتاری کودکان ضروری است. **یافته های پژوهش حاضر با نتیجه پژوهش های مشابه همخوان است.** **از محدودیت های این پژوهش می توان به** این مورد اشاره کرد که پژوهش بر روی نمونه ای محدود از مادران و فرزندان آنها انجام شد که تعمیم پذیری نتایج را با مشکل مواجه می­کند. محدودیت دیگر پژوهش آن است که پرسشنامه‌ها ماهیت خودسنجی داشتند. پیشنهاد می شود رابطه بین راهبرد تنظیم شناختی هیجان با سایر اختلالات روانی و رفتاری کودکان مورد بررسی قرار گیرد، این پژوهش درسایر گروه های سنی کودکان و نوجوانان انجام شود و رابطه این متغیرها در جمعیت بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

**کلیدواژه ها:** اختلال نافرماني مقابله­اي، راهبردهاي سازگارانه تنظيم شناختي هيجان، راهبردهاي ناسازگارانه تنظيم شناختي هيجان، مادر

1. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران [↑](#footnote-ref-1)
2. استاد گروه روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

   aghamohammadian@um.ac.ir [↑](#footnote-ref-2)
3. - دانشیارگروه روانشناسي، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران [↑](#footnote-ref-3)
4. دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران [↑](#footnote-ref-4)